

بررسی تأثیر بُعد فرهنگی جهانی شدن بر هویت قومی (مطالعه موردی جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهرستان بوکان)

* جلیل سحابی

E-mail: jalil.sahabi@gmail.com

** هاشم آقاییگ پوری

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۱۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۸/۷

چکیده

در این مقاله سعی شده رابطه بُعد فرهنگی جهانی شدن با هویت قومی شهرستان بوکان بررسی شود. روش به کار رفته در تحقیق، پیمایشی است و برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده کرده‌ایم. براساس فرمول کوکران و در سطح اطمینان ۹۵٪، حجم نمونه را ۳۸۲ نفر قرار داد. و در نهایت دریافتیم که از کل پاسخگویان، ۳/۲۹٪ از لحاظ نگرش به جهانی شدن در سطح بالا، ۳/۵۷٪ در سطح متوسط و ۴/۳٪ در سطح پایین قرار دارند. فرضیه اصلی ما در این پژوهش، آن بود که هر چه نگرش به جهانی شدن قوی‌تر باشد، هویت قومی ضعیف می‌گردد. براساس نتایج به دست آمده، ضریب همبستگی بین تمرکززدایی و هویت قومی ۰/۳۳۶؛ میان تحصیلات و هویت قومی ۰/۱۲۶؛ و بین درآمد و هویت قومی ۰/۰۰۴ می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: جهانی شدن، جهانی شدن فرهنگی، هویت، هویت قومی.

* دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی توسعه دانشگاه تهران و عضو هیأت دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنج

** کارشناس ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

مقدمه

پدیده جهانی شدن، در دهه ۱۹۹۰ به یکی از بحث انگیزترین مسائل پایان قرن بیستم تبدیل شده است و به نظر می‌رسد که در اوایل قرن ۲۱ نیز یکی از مهم‌ترین مباحث علوم اجتماعی باشد. تا امروز این پدیده از ابعاد گوناگون بررسی شده و ادبیات گسترده‌ای نیز درباره آن انتشار یافته است. محور عمده این بحث‌ها عبارت است از: تعریف جهانی شدن و اثرهای آن بر اقتصاد، فرهنگ و سیاست بین‌الملل یا دولت ملی و نظریه‌های گوناگون درباره علل، ظهور و ماهیت عملکرد آن. در این جستار، به بررسی نظری این مسأله در بعد فرهنگی، و رابطه آن با هویت قومی با تأکید بر مطالعه موردی جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال شهرستان بوکان می‌پردازیم.

از نظر هلد، جهانی شدن فرایندی چند بعدی است؛ همه جنبه‌های روابط فرهنگی، سیاست و اقتصاد را دربرمی‌گیرد و می‌توان اثرهای آن را در جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی مشاهده نمود. منظور از بعد فرهنگی، عناصر و شاخص‌های فرهنگی است که افرادی از قبیل گیدنز، هلد، رابرتسون و کاستلز آن را مطرح کرده‌اند. از نگاه این افراد، مهم‌ترین بعد جهانی شدن، همین بعد فرهنگی می‌باشد و در این بعد، جهانی شدن با ارتباطات آمیخته است.

از آنجا که هویت سرچشمه معنا و زندگی است و انسان‌ها نمی‌توانند به مدت طولانی در بحران هویت و یا بی‌هویتی به سر برند، افراد بشر از فضای ایجاد شده به واسطه فرایند جهانی شدن استفاده می‌کنند و هویت فرهنگی خویش را بازسازی می‌نمایند. اینکه منشاء معنی در این دوره جنسیت، قومیت یا محلّیت باشد، اهمیت چندانی ندارد؛ مسأله شایان توجه، این است که هویت‌سازی بر اساس عوامل یاد شده صورت می‌گیرد و تنها، تفاوت در مکان‌ها و جوامع مختلف، ماهیت هویت‌سازی را مشخص می‌کند. کردهای شهرستان بوکان نیز از این فرایند بهره‌جسته و از حیث زمانی، فرهنگی و تا حدودی مکانی، هویت فرهنگی خویش را بر پایه منطق جهانی شدن بازسازی نموده‌اند. در فرایند بازسازی، عناصری که بیشتر در معرض فرایندهای قدرت و مقاومت قرار دارند؛ نقش مهم‌تری در برساختن هویت قومی و محلی ایفا می‌کنند؛ اما دیگر عناصر، قدرت هویت‌سازی محلی چندانی ندارند و بیشتر بیانگر هویت ملی یا هویت مشترک جهانی‌اند.

هدف کلی ما در این مقاله، بررسی نظری بعد فرهنگی جهانی شدن و رابطه آن با هویت قومی در شهر بوکان است؛ به عبارت دیگر می‌خواهیم بدانیم که تشدید روند

جهانی‌شدن چه اثری بر هویت قومی در این شهر دارد. و در پی آن، رابطه بعد فرهنگی جهانی‌شدن با هویت قومی، از نوع مثبت است یا منفی؟

مسئله جهانی‌شدن و هویت قومی

یکی از مسائل اجتماعی مهمی که هنوز در کشورهای در حال توسعه حل نشده و در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته نیز همچنان حضور دارد، مسائل مربوط به قومیت‌ها می‌باشد. از آنجا که هویت قومی، در کشورهایی که هنوز نتوانسته‌اند راه‌حل مناسبی برای آن بیابند، مسئله اجتماعی مهمی محسوب می‌گردد و مؤثر در زندگی و مناسبات این کشورهاست، توجه بدان به صورت جدی و با نگاهی علمی، ضروری به نظر می‌رسد. مسئله قومی در جوامع توسعه‌یافته نیز جایگاه مهمی دارد. به نظر باومن، اجتماع‌های قومی حتی در پیشرفته‌ترین جوامع به حفظ خود گرایش دارند:

شهرها در دو دهه اخیر به ویژه در امریکا آنقدر رشد کرده‌اند که نواحی قومی و نژادی تقریباً همگون شده‌اند؛ تصادفی نیست که ترس از بیگانه آنقدر افزایش یافته که این اجتماعات قومی و نژادی با یکدیگر قطع رابطه کرده‌اند (باومن، ۱۳۸۴: ۱۷۲-۱۶۸).

اکنون، این سؤال مطرح می‌گردد که جهانی‌شدن دارای چه ابعاد و مسائلی است که همچنان بدان توجه می‌شود؟ امروزه پدیده جهانی‌شدن به دلایلی در کشورهای در حال توسعه اهمیت فراوان یافته است. ممکن است یکی از دلایل این امر، آن باشد که دولت‌های حاکم بر این کشورها نمی‌توانند نظارت شایسته‌ای بر این فرایند داشته باشند. مثلاً چنانچه گسترش ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات را یکی از مؤلفه‌های اساسی روند جهانی‌شدن به شمار آوریم، دولتمردان کشورهای در حال توسعه، اساساً نمی‌توانند مانع ورود این اطلاعات و ارتباطات به کشور متبوع خود شوند؛ از سوی دیگر، بدیهی به نظر می‌رسد که ارتباطات و توسعه آن یکی از متغیرهای مهمی است که می‌تواند بر مسائل گوناگون اثر بگذارد؛ بنابراین، می‌توان گفت که جهانی‌شدن، پدیده‌ای نیست که بتوان آن را بی‌اهمیت یا کم‌اهمیت تلقی نمود. نکته شایان توجه دیگر، آن است که هویت قومی در کشورهای در حال توسعه، نه تنها حل نشده، بلکه به صورت یک معضل و مسئله اجتماعی، در حال ظهور و تشدید می‌باشد، این قسم کشورها بیشتر در معرض پیامدهای ناشی از جهانی‌شدن اند و در نهایت،

مسأله نژاد، قومیت و جنسیت به میزان زیادی جایگزین مطالعات مربوط به طبقه و اقتصاد شده است (هال، ۱۹۹۲: ۳۶).

ابعاد جهانی شدن

فرایند جهانی شدن، دارای سه بُعد به شرح ذیل است:

الف) بُعد سیاسی

سؤال اصلی ای که در اینجا مطرح می‌گردد، آن است که آیا افزایش مشکلاتی مانند نبودن ثبات مالی و اقتصادی، افزایش سلاح‌های هسته‌ای، ویران کردن محیط زیست، تحقیر فرهنگ عامه، و به بازی گرفتن مصرف‌کنندگان، در مقیاس جهانی‌اش باعث به وجود آمدن واکنش سیاسی در سطح جهانی می‌شود یا خیر. بخش عمده‌ای از سؤال مذکور، بدین بحث می‌پردازد که آیا قدرت تا حدودی از سطح کشور به برخی از نهادها یا نظام‌های جهانی منتقل می‌گردد یا نه. درباره این موضوع، ذکر گفته‌ای منسوب به دانیل بل مناسب و بیجاست: دولت - ملت آنقدر کوچک است که نمی‌تواند مشکلات بزرگ زندگی را حل کند و آنقدر بزرگ است که نمی‌تواند مشکلات کوچک را حل کند؛ البته همه موافق این نظر نیستند (دونل، ۲۰۰۵: ۲۰۹).

ب) بُعد اقتصادی

رایج‌ترین دیدگاه‌ها درباره جهانی شدن، از آن اقتصاددانان است. این گروه، بر پایه همبستگی بیش از پیش اقتصادی و ادغام اقتصادهای ملی در یک اقتصاد و در محدوده بازار سرمایه‌داری به فرایند جهانی شدن می‌نگرند (ادواردز، ۲۰۰۱: ۶۲). در این رویکرد، پدیده جهانی شدن به صورت سلطه شرکت‌های چندملیتی بر جهان تعریف می‌گردد (داسگوتا، ۲۰۰۷: ۳۰۲). جهانی شدن اقتصاد سرمایه‌داری و به‌ویژه امور مالی، نمودهای خود را از قبل یعنی از آغاز قرن بیستم با بحث‌های ولادیمیر لنین، رودلف هیلفردینگ و برخی دیگر از مارکسیست‌های دوران معاصر نشان داد و در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ شاخص‌های این پدیده درباره توسعه مفهوم اقتصاد جهانی تحلیل گشت؛ بنابراین فرایند مورد بحث ما جدید نیست؛ شتاب مشخص آن در دهه‌های ۷۰ و به‌ویژه ۸۰ نو به نظر می‌آید (ویویورکاو، ۱۳۸۱: ۸۳).

ج) بُعد فرهنگی

امروزه پدیده فرهنگ به حوزه‌ای بسیار پیچیده و بحث‌آفرین تبدیل شده است، علت

این امر، آن است که وقتی فرهنگ‌های جهانی در درون فرهنگ‌های محلی رخنه می‌کنند، پیکربندی‌های جدیدی پدید می‌آید که هر دو قطب جهانی و محلی را با یکدیگر ترکیب می‌کند و نیروهای متضاد استعمارگری و مقاومت، همگون‌سازی جهانی، و اشکال و هویت‌های جدید محلی پدیدار می‌گردد. رسانه‌های نوین ارتباطی نظیر شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای، و شبکه جهانی اینترنت، نقش مهمی در شکل‌دهی فرهنگ جهانی ایفا می‌نمایند.

به نظر گیدنز یکی از مهم‌ترین اثرهای صنعت‌گرایی، دگرگونی فناوری‌های ارتباطی است. این‌گونه تفسیر، وی را به جنبه کاملاً بنیادی جهانی‌شدن رهنمون می‌گردد که پشت سر هر یک از ابعاد نهادی این فرایند اعم از سامان نظامی جهانی، نظام دولت ملی، اقتصاد سرمایه‌داری جهانی و تقسیم کار بین‌المللی قرار دارد و می‌توان آن را جهانی‌شدن فرهنگی یا بعد فرهنگی جهانی‌شدن نامید (گیدنز، ۱۳۸۴: ۹۲).

دیوید هلد نیز بر آن است که جهانی‌شدن، فرایندی است چند بعدی، همه جنبه‌های روابط فرهنگی، سیاست و اقتصاد را دربرمی‌گیرد و می‌توان اثرهای آن را در جنبه‌های گوناگون زندگی اجتماعی مشاهده نمود (هلد، ۲۰۰۰: ۱۵). وی جهانی‌شدن فرهنگ را گونه‌ای استعمارطلبی^۱ می‌داند که آمریکا و کشورهای غربی آن را به شکل زیرکانه‌ای دنبال می‌کنند:

یک روش بسیار مهم برای درک جهانی‌شدن فرهنگ، امپریالیسم فرهنگی است. فرهنگ غالب کشورهای غربی در جریان فرایند همسان‌سازی، فرهنگ‌های محلی را از بین می‌برد و این راهبردی است برای سازش منافع اقتصادی آمریکا و سایر کشورهای غربی (هلد، ۲۰۰۷: ۲۴۲).

فوکویاما این اندیشه را که فرایند جهانی‌شدن، منتهی به همگونی می‌گردد، از فرهنگ‌ها سنت‌زدایی می‌کند و فرهنگ‌های محلی و ملی را محو می‌نماید، نقد می‌کند. وی بر این باور است که جوامع، با وجود همکاری‌های اقتصادی، ویژگی‌های فردی خود را حفظ می‌کنند. هرچند پدیده جهانی‌شدن در برخی زمینه‌ها همگرایی پدید می‌آورد، عناصر عمیق‌تری در فرهنگ کشورها وجود دارد که همگرایی در آنها به آسانی ایجاد نمی‌گردد (تاملینسون، ۱۹۹۱: ۱۲۷).

1- Imperialism

چهار چوب نظری

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان گفت پدیده جهانی‌شدن، سه اثر عمده بر هویت قومی دارد؛

نخست این‌که جهانی‌شدن، موجب کاهش یا تضعیف هویت قومی می‌گردد. اندیشمندانی چون تونیس^۱ و گیرتز با مثبت خواندن نقش گسترش فرهنگ و ارتباطات در فرآیند دولت - ملت‌سازی، استقرار همگرایی، وحدت ملی، و سرعت بخشیدن به روند توسعه و ایجاد فرهنگ جهانی، بر فرآیند روبه کاهش ستیزه‌های قومی تأکید نموده‌اند (مقصودی، ۱۳۷۹: ۱۳۴). از جمله دیگر معتقدان به این دیدگاه می‌توان تاملینسون را نام برد. وی می‌نویسد:

جهانی‌شدن همچون سیلابی، تنوع فرهنگی سراسر جهان را از بین می‌برد، ثبات محلی را نابود می‌کند، انسان‌ها را پس می‌زند و همچنین تمایزات بین محدوده‌های فرهنگ‌های محلی را که هویت‌های ما را تشکیل می‌دهند، محو می‌کند (مندیتا، ۲۰۰۷: ۱۱۴).

دومین اثر جهانی‌شدن بر هویت قومی این است که این فرایند هویت قومی را تشدید می‌نماید. هال، کاستلز، رابرتسون و گیدنز به این مسأله اشاره کرده‌اند. به نظر هال، هویت‌های محلی که تا دیروز امکان ابراز وجود نداشتند، امروز با سرعتی شگفت‌آور خود را مطرح می‌کنند. بدین ترتیب، این قسم هویت‌ها تاریخ پنهان خودشان را باز می‌یابند و بازگو می‌نمایند. از این منظر، قومیت جایگاه لازمی است که امکان سخن گفتن را برای مردم فراهم می‌آورد (هال، ۱۳۸۳: ۲۵۷). از نظر گیدنز یکی از مهم‌ترین اثرهای صنعت‌گرایی، دگرگونی فناوری‌های ارتباطی می‌باشد. فناوری‌های صنعتی ارتباطات از زمان پیدایش ماشین چاپ در اروپا بر همه جنبه‌های جهانی‌شدن اثر نمایانی گذاشته است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۹۲). گیدنز پس از تشریح بعد اقتصادی جهانی‌شدن، تأکید می‌کند که این فرایند، سیاسی و فرهنگی نیز می‌باشد و حتی مهم‌تر از همه، با ارتباطات آمیخته است:

در طول سی سال گذشته، مهم‌ترین نیروی دگرگون‌کننده زندگی ما بازارهای اقتصادی و یا به هم وابستگی اقتصادی نبوده، بلکه تأثیر ارتباطات بوده است که عموماً تحت عنوان انقلاب ارتباطات خوانده می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۴: ۶۲).

کاستلز نیز بر این باور است که ملی‌گرایی معاصر بیشتر واکنشی است تا خودجوش،

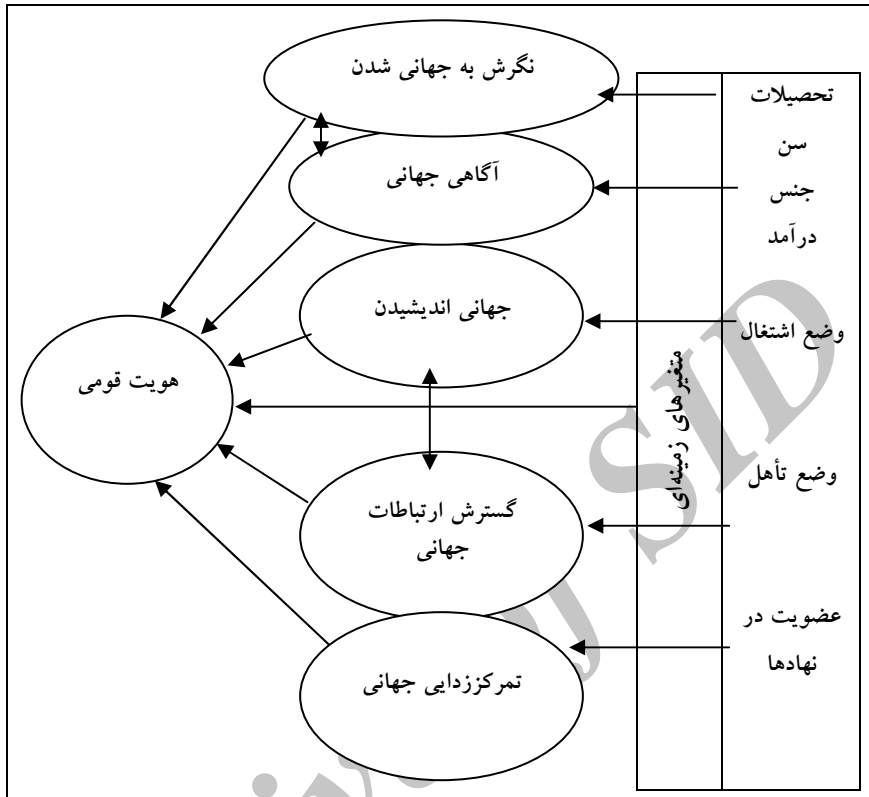
1- Ferdinand Tonnies

عمدتاً به فرهنگی بودن گرایش دارد تا سیاسی بودن، و بنابراین اغلب متوجه دفاع از فرهنگی است که پیشاپیش نهادینه شده، نه ایجاد یا دفاع از یک دولت (کاستلز، ۱۳۸۴: ۴۹). به نظر او عصر جهانی شدن، زمان خیزش دوباره هویت‌های ملی است. این واقعیت را می‌توان هم در مبارزه با دولت‌های ملی مستقر و هم در بازسازی فراگیر هویت بر پایه ملیت مشاهده نمود که همواره در برابر بیگانه، از آن دفاع می‌شود. از نظر این دانشمند، در طول تاریخ بشر قومیت از منابع اصلی معنا و بازشناسی بوده است. در بسیاری از جامعه‌های کنونی، از ایالات متحده گرفته تا کشورهای آفریقایی زیر صحرا، این مفهوم زیربنای تفکیک، بازشناسی و تبعیض‌های اجتماعی؛ و همچنین پایه و اساس مبارزه برای دست یافتن به عدالت اجتماعی می‌باشد. از جمله مبارزات با هدف کسب عدالت اجتماعی می‌توان قیام سرخپوستان مکزیک در چیاپاس در سال ۱۹۹۴ را نام برد. کاستلز اعتقاد دارد که قومیت اساس منطق غیرعقلانی پاکسازی قومی، نظیر جنایات صرب‌های بوسنی در سال ۱۹۹۴ می‌باشد که عمده‌تأ شالوده‌ای فرهنگی است که فعالیت‌های بازرگانی شبکه‌بندی شده و انحصارگرایانه (متکی به تراست) را در دنیای نوین تجارت را از شبکه‌های تجاری چینی گرفته تا قبیله‌های قومی تعیین‌کننده موفقیت در اقتصاد نوین جهانی، ایجاد می‌کند (کاستلز، ۱۳۸۴: ۸۱-۴۵).

سومین گونه اثر فرایند جهانی‌شدن بر هویت قومی، صورت ترکیبی دارد. در این حالت، به‌طور مستقیم نمی‌توان گفت که هویت قومی چه سرنوشتی خواهد داشت. اندرسون به این مسأله توجه دارد.

کاستلز و گیدنز هر دو طرفدار نظریه‌های کلان هستند و در پی آنند که نظریه‌ای برای تحولات جهانی به دست دهند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۹۷۶). کاستلز، گیدنز، هال و رابرتسون، غالباً بر بعد فرهنگی جهانی‌شدن تأکید می‌نمایند؛ با این تفاوت که کاستلز و گیدنز، رسانه و ارتباطات را در این زمینه، حائز اهمیت می‌دانند (کاستلز، ۱۳۸۴: ۴۹ و ۶۲، و گیدنز، ۱۳۷۷: ۹۲ و ۱۳۷۸: ۳۸-۹)؛ ولی هال، این پدیده را ناشی از وابستگی بین‌المللی، مهاجرت گسترده نیروی کار، و وابستگی متقابل زیست محیطی می‌پندارد (هال، ۱۹۹۶: ۳۰۲ و ۱۳۸۳: ۲۵۸). در نظریه‌های همه این دانشمندان، دولت ملت به دلایل گوناگون ضعیف شده است: در نظریه هال، دولت - ملت به خاطر فرایندهای فرهنگی به حاشیه رانده شده و در نظریه گیدنز به سبب گسترش شبکه‌های مخابراتی و ارتباطی، این وضعیت راه یافته است.

نمودار ۱: مدل مفهومی و نظری تحقیق



به غیر از متغیرهای زمینه‌ای، عواملی همچون نگرش به جهانی شدن و جهانی اندیشیدن، آگاهی جهانی، گسترش ارتباطات جهانی و تمرکززدایی جهانی، متغیرهای واسطه‌ای هستند که بر هویت قومی اثر می‌گذارند. همان‌گونه که در این الگو می‌بینیم، جهانی شدن، عامل تمرکززدایی است و امکانات جدیدی برای تجدید حیات هویت‌های محلی پدید می‌آورد؛ مسأله دیگری که کاستلز بدان اشاره می‌کند، ویژگی‌های دوره متأخر است. در سوی دیگر، بسیاری از ویژگی‌ها و خصلت‌های فرهنگی در این دوره از بین می‌روند و نوعی هویت جهانی یکدست، جای فرهنگ‌های سنتی را می‌گیرد. بدین موضوع، کمتر توجه شده و تاملینسون، آن را تضعیف هویت فرهنگی محلی نامیده است. مسأله مهم در بحث تلفیق نظریه‌ها آن است که این تلفیق یا باید بر اساس منطق داده‌های تجربی باشد و یا در سطح نظری و مفهومی صورت گیرد؛ به دیگر سخن، دو

نوع تلفیق نظری وجود دارد: یکی در سطح نظری و دیگری بر اساس داده‌های تجربی. کاری که کوزر (زیتلین، ۱۳۸۴: ۲۲۷-۲۱۳) در بحث دلایل ظهور و گسترش نازیسم در آلمان انجام داده، تلفیق در سطح داده‌های تجربی و استفاده از آرای کسانی چون مارکس، تونیس، مارشال و وبر می‌باشد. در نگارش این مقاله نیز از الگوی کوزر استفاده نموده‌ایم، از یک سوی در سطح نظری و مفهومی به بعد فرهنگی جهانی شدن و تأثیر آن بر قومیت اشاره کرده و از طرف دیگر در عمل، دلایل تقویت و تضعیف هویت قومی در شاخص‌های مختلف را بررسی نموده‌ایم؛ به عبارت دیگر، تلفیق هم بر اساس یافته‌های تجربی و هم به شیوه نظری صورت گرفته است.

در این الگو، در آغاز متغیرهای زمینه‌ای را بررسی کرده‌ایم که تفاوت در پدیده هویت قومی تا حدودی بر اساس آنها معنا دار شده است؛ اما این، بدان معنی نیست که تفاوت اصلی در کاهش یا افزایش هویت قومی به این متغیرها بازمی‌گردد؛ زیرا اساساً ما باید بر متغیرهای اجتماعی و فرهنگی تأکید کنیم و همانند دورکیم، امر اجتماعی را از طریق امر اجتماعی تحلیل نماییم؛ بر این اساس ما به این متغیرهای زمینه‌ای توجه کرده‌ایم و در عین حال، نوسان‌های گرایش قومی را به عواملی فراتر از جنس، سن، درآمد و... پیوند زده‌ایم. یکی از مهم‌ترین متغیرها در این الگو، آگاهی جهانی می‌باشد که از نظریه رابرتسون گرفته شده است. آگاهی جهانی، خود منجر به جهانی اندیشیدن می‌گردد و بر پایه آن بر هویت قومی و محلی اثر می‌گذارد. رابرتسون بر این باور است که در عصر جهانی شدن، شاهد افزایش آگاهی جهانی هستیم و همین امر به نوبه خود، تصور انسان‌ها از قومیت و هویت محلی را دگرگون می‌کند. متغیر دیگری که در این طرح بدان اشاره شد، گسترش ارتباطات جهانی است. در دوره معاصر به سبب تحول در حمل و نقل، شاهد افزایش ارتباطات جهانی هستیم. این امر می‌تواند منجر به تحرک بیشتر و در عین حال بازنگری در هویت‌های محلی گردد. بین جهانی اندیشیدن و توسعه ارتباطات جهانی، رابطه‌ای منطقی^۱ وجود دارد؛ بدان معنا که با گسترش ارتباطات، اندیشه‌ها فراتر از مرزها می‌روند و جهانی می‌گردند و در مقابل، با جهانی اندیشیدن، ارتباطات انسانها گسترش می‌یابد. لازم به یادآوری است که این متغیر در نظریه‌های کاستلز و گیدنز هم مطرح می‌باشد، مهم‌ترین بخش تحلیل آنها در بحث جهانی شدن را به خود اختصاص می‌دهد و مهم‌ترین نمود آن، ارتباطات است.

1- Dialectic

اندیشه جهانی شدن و ارتباطات، انگاره پیشین تمرکز را به چالش می‌کشد؛ بنابراین ما در این الگو بدین واقعیت توجه نموده‌ایم که فرایند جهانی شدن از یک سوی سبب رواج اندیشه تمرکزگرایز و در نتیجه افزایش هویت محلی می‌گردد و از سوی دیگر بسیاری از عناصر جهانی در این جریان، وارد فرهنگ‌های سنتی می‌شوند. بر همین اساس ما بر این باوریم که متغیرهای زمینه‌ای هم به شیوه مستقیم و هم به واسطه متغیرهای دیگر بر هویت قومی، اثر می‌گذارند. و از آن سوی، متغیرهای آگاهی جهانی، توسعه ارتباطات و... هم بر هویت قومی مؤثر واقع می‌گردند.

در اینجا به مهم‌ترین فرضیه‌های تحقیق که از دل چهارچوب نظری و مطالعه‌های پیشین، استخراج شده، اشاره می‌کنیم:

الف) هرچه نگرش به جهانی شدن قوی‌تر باشد، هویت قومی ضعیف‌تر می‌گردد؛ به عبارت دیگر، در نتیجه جهانی شدن، تنوع فرهنگی از بین می‌رود (مندیتا، ۲۰۰۷: ۱۱۴).

ب) بین آگاهی جهانی و هویت قومی رابطه‌ای معنادار وجود دارد (رابرتسون، ۱۳۸۳: ۲۱۳).

ج) تمرکززدایی جهانی و هویت قومی، رابطه معناداری با یکدیگر دارند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۶۴ و ۶۵).

د) بین جهانی اندیشیدن و هویت قومی رابطه‌ای معنادار قابل تشخیص است (رابرتسون، ۱۳۸۳: ۲۱۳؛ گیدنز، ۱۳۷۸: ۳۸ و ۳۹ و کاستلز، ۱۳۸۲: ۸۱-۴۵).

ه) متغیرهای زمینه‌ای و هویت قومی رابطه‌ای معنادار با یکدیگر وجود دارند.

روش تحقیق

در تدوین این مقاله، از پرسشنامه‌ای محقق ساخته جهت گردآوری اطلاعات استفاده نموده‌ایم و سپس برای تحلیل اطلاعات از بسته نرم‌افزاری علوم اجتماعی کمک گرفته‌ایم. جامعه آماری این پژوهش، عبارت است از تمامی جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال شهرستان بوکان در سال ۱۳۸۷. نمونه مورد مطالعه را بر اساس فرمول کوکران انتخاب کرده‌ایم. با توجه به سرشماری عمومی نفوس و مسکن که در سال ۱۳۸۵ (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶: سایت اینترنتی) انجام شده، مشخص می‌گردد که حدود ۳۵٪ افراد ۸۲ هزار و ۳۸۷ نفر) در فاصله سنی ۱۵ تا ۲۹ سال قرار می‌گیرند. بر این اساس، حجم نمونه با ۹۵٪ اطمینان برابر با ۳۸۲ نفر خواهد بود. این افراد به شیوه نمونه‌گیری نظام‌مند^۱، و به

1- Systematic

تفکیک جنس و مناطق چندگانه بوکان انتخاب شده‌اند. یکی از روش‌های تحلیل روائی در بسته نرم‌افزاری علوم اجتماعی، آلفای کرونباخ می‌باشد. براساس این روش، گویه‌های فاقد همبستگی و یا دارای همبستگی ضعیف با یکدیگر، حذف می‌شوند تا میزان روائی تحقیق افزایش یابد. در این مقاله آلفای متغیر جهانی شدن 0.76 و آلفای متغیر هویت قومی 0.76 می‌باشد که بیانگر روائی بالایی است.

جدول ۱: میزان آلفای کرونباخ شاخص‌های جهانی شدن و هویت قومی

N. of items	Cronbachs alpha based on standardized items	Cronbachs alpha	شاخص
۸	۰.۷۶۷	۰.۷۶۱	جهانی شدن
۱۹	۰.۷۹۴	۰.۷۶۴	هویت قومی

تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای پژوهش

در این پژوهش، منظور ما از هویت قومی، تعریف ناندا و وارمز است که می‌گویند: هویت قومی تجربه‌ای ذهنی - فردی است که شخص را به یک گروه قومی خاص وابسته می‌کند (ناندا و وارمز، ۱۹۹۸: ۳۶۵). در این مطالعه، هویت قومی براساس شانزده سؤال در ابعاد تعریف فرد از هویت خود، وابستگی به زبان، سنت، موسیقی و...، ارزیابی شده است.

به نظر هلد، جهانی شدن فرایندی چندبعدی است، همه جنبه‌های روابط فرهنگی، سیاست و اقتصاد را دربرمی‌گیرد و می‌توان اثرهای آن را در جنبه‌های زندگی اجتماعی مشاهده نمود (هلد، ۲۰۰۰: ۱۵). در این پژوهش، جنبه‌های مذکور شامل سه بعد آگاهی از روابط جهانی و رخدادهای آن، استفاده از رسانه‌های مختلف از قبیل اینترنت و ماهواره، و اعتماد به این رسانه می‌باشد. بعد آگاهی جهانی، خود برپایه آگاهی از وضع فرهنگ خود به واسطه رسانه‌ها؛ اعتقاد به اثرگذاری تحولات جهانی بر زندگی همه افراد؛ و پیگیری تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جهانی سنجیده شده است.

تمرکزگرایی، عبارت است از تمرکز، تجمع و انحصار هر گونه قدرت که بیشتر با تمرکزگرایی جغرافیایی همراه می‌باشد، و مراد از تمرکززدایی، توزیع و پراکنش هر نوع قدرت سیاسی - اداری و تصمیم‌گیری و اجرای امور میان مراجع، ساختارها و کانون‌های مختلف است که غالباً پراکنش جغرافیایی قدرت و اختیارات در سطوح محلی و منطقه‌ای را نیز در بردارد (مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۹: ۱۳).



منظور از متغیرهای زمینه‌ای، عوامل نسبتاً مشخص و پایدار ساختار اجتماعی است که شامل سن، جنس، درآمد، وضع اشتغال، عضویت در نهادهای مختلف و... می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

دستاوردهای این مقاله، به شرح ذیل می‌باشد:

الف) آگاهی جهانی و هویت قومی

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصد آگاهی جهانی و هویت قومی

کل	پایین	متوسط	بالا	هویت قومی	
				آگاهی جهانی	بالا
۱۵۰	۳۲	۱۱۲	۶	فراوانی	بالا
۳۹/۳	۸۶/۵	۳۶/۴	۱۶/۲	درصد	
۲۱۹	۲	۱۸۷	۳۰	فراوانی	متوسط
۵۷/۳	۵/۴	۶۰/۷	۸۱/۱	درصد	
۱۳	۳	۹	۱	فراوانی	پایین
۳/۴	۸/۱	۲/۹	۲/۷	درصد	
۳۸۲	۳۷	۳۰۸	۳۷	فراوانی	کل
۱۰۰	۹/۷	۸۰/۶	۹/۷	درصد	

از میان کل پاسخگویان، ۳۹/۳٪ از لحاظ نگرش به جهانی شدن در سطح بالا، ۵۷/۳٪ در سطح متوسط و ۳/۴٪ در سطح پایین قرار دارند. از کل پاسخگویانی که هویت قومی بالا دارند، ۱۶/۲٪ از لحاظ آگاهی جهانی در سطح بالا، ۸۱/۱٪ در سطح متوسط و ۲/۷٪ در سطح پایین هستند. از کل پاسخگویانی که دارای هویت قومی متوسط‌اند، ۲/۳٪ از لحاظ آگاهی جهانی در سطح بالا، ۶۰/۷٪ در سطح متوسط و ۲/۹٪ در سطح پایین جای می‌گیرند. از کل نمونه، ۹/۷٪ دارای هویت قومی بالا، ۸۰/۶٪ دارای هویت قومی متوسط و ۹/۷٪ دارای هویت قومی پایین می‌باشند. بر پایه این مطالعه، نظریه تأملینسون که معتقد بود جهانی شدن، هویت قومی را تضعیف می‌کند، به میزان زیادی تأیید می‌گردد.

(ب) درآمد و هویت قومی
جدول ۳: توزیع فراوانی و درصد درآمد و هویت قومی

کل	کم	متوسط	زیاد	هویت قومی	
				درآمد	هویت قومی
۶۵	۱۴	۴۶	۵	فراوانی	۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار
۳۹/۶	۵۳/۸	۳۶/۵	۴۱/۷	درصد	تومان
۶۴	۵	۵۵	۴	فراوانی	۳۰۱ تا ۵۰۰ هزار
۳۹	۱۹/۲	۴۳/۷	۳۳/۳	درصد	تومان
۲۰	۳	۱۶	۱	فراوانی	۵۰۱ تا ۷۰۰ هزار
۱۲/۲	۱۱/۵	۱۲/۷	۸/۳	درصد	تومان

از میان کل پاسخگویان ۳۹/۶٪ دارای درآمد ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان، ۳۹٪ دارای درآمد ۳۰۱ تا ۵۰۰ هزار تومان، ۱۲/۲٪ دارای درآمد ۵۰۱ تا ۷۰۰ هزار تومان و ۹/۱٪ دارای درآمد بالاتر از ۷۰۰ هزار تومان می‌باشند. از کل پاسخگویانی که هویت قومی بالا دارند، ۴۱/۷٪ بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان، ۳۳/۳٪ بین ۳۰۱ تا ۵۰۰ هزار تومان، ۸/۳٪ بین ۵۰۱ تا ۷۰۰ هزار تومان و ۱۶/۷٪ بالاتر از ۷۰۰ هزار تومان درآمد دارند. برای اینکه بدانیم هویت قومی و درآمد با یکدیگر ارتباط دارند، از پسرفت^۱ ساده خطی استفاده کرده‌ایم.

جدول ۴: آزمون رابطه درآمد و هویت قومی

نام متغیر	R	R ²	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معناداری
درآمد	۰/۰۰۴	۰	۰	-۹/۵۹	-۰/۰۰۴	-۰/۰۴۶	۰/۹۶۳

در این تحقیق فرض ضمنی ما بر این است که هرچه درآمد بیشتر باشد، هویت قومی نیز قوی‌تر خواهد بود. برای بررسی این فرضیه از تحلیل پسرفت ساده استفاده کرده‌ایم. براساس نتایج به دست آمده، همبستگی ضعیفی به میزان $R=0/004$ میان درآمد و هویت قومی وجود دارد. ضریب به دست آمده بیانگر آن است که متغیر مستقل درآمد پاسخگویان، درصدی از مغایرت متغیر وابسته هویت قومی در جمعیت نمونه را

1- Ression

تیین می‌کند. ضریب Beta به دست آمده نیز حاکی از آن است که جهت رابطه بین درآمد و هویت قومی پاسخگویان، منفی می‌باشد؛ به دیگر سخن هرچه درآمد پاسخگویان بیشتر باشد، هویت قومی آنها کمتر خواهد بود. ضریب B نیز نشان می‌دهد که متناسب با هر واحد افزایش در متغیر مستقل درآمد، $9/59$ - واحد از هویت قومی فرد کاسته می‌گردد. همچنین با توجه به مقدار T به دست آمده ($0/046$ -)، رابطه میان متغیر وابسته و مستقل در این فرضیه در سطح 95% معنادار نیست و فرضیه ما تأیید نمی‌شود؛ بنابراین فرضیه H_0 مبنی بر نبودن رابطه معنادار بین متغیرهای مستقل و وابسته و فرض H_1 مبنی بر وجود رابطه معنادار بین متغیر مستقل و وابسته، مردود می‌گردد.

ج) وضع تحصیلی و هویت قومی

جدول ۵: آزمون رابطه تحصیلات و هویت قومی

نام متغیر	R	R ²	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معناداری
تحصیلات	0/126	0/016	0/109	-0/269	-0/012	-2/476	0/014

در این تحقیق فرض ضمنی ما بر این است که هرچه میزان تحصیلات، بیشتر باشد، هویت قومی قوی‌تر خواهد بود. به منظور بررسی این فرضیه از تحلیل پسرفت ساده استفاده نموده‌ایم. بر پایه نتایج به دست آمده، همبستگی ضعیفی به اندازه $R=0/126$ بین تحصیلات و هویت قومی وجود دارد. ضریب تعیین $R^2=0/016$ به دست آمده، بیانگر آن است که متغیر مستقل تحصیلات پاسخگویان $0/016$ از مغایرت متغیر وابسته هویت قومی در جمعیت نمونه را تبیین می‌نماید. ضریب Beta به دست آمده نیز حاکی از آن است که جهت رابطه بین تحصیلات و هویت قومی پاسخگویان، منفی می‌باشد؛ به عبارت دیگر، هر قدر تحصیلات پاسخگویان بیشتر باشد، هویت قومی آنان ضعیف‌تر خواهد بود. ضریب B نیز نشان می‌دهد که متناسب با هر واحد افزایش در متغیر مستقل میزان تحصیلات، به اندازه $0/269$ - واحد از هویت قومی فرد کاسته می‌گردد. با توجه به مقدار T به دست آمده ($2/476$ -) رابطه بین متغیر وابسته و مستقل در این فرضیه در سطح 95% معنادار می‌باشد و فرضیه ما تأیید می‌شود؛ بنابراین فرضیه H_0 مبنی بر نبودن رابطه معنادار بین متغیرهای مستقل و وابسته رد، و فرض H_1 مبنی بر وجود این رابطه، اثبات می‌گردد.

د) آزمون رابطه میان نگرش به جهانی شدن و هویت قومی

جدول ۶: آزمون رابطه میان نگرش به جهانی شدن و هویت قومی

نام متغیر	R	R ²	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معناداری
جهانی شدن	۰/۱۰۸	۰/۰۱۲	۰/۰۶۰	-۰/۱۲۸	-۰/۱۰۸	-۲/۱۲۴	۰/۰۳۴

در این تحقیق فرض ضمنی ما بر این است که هر قدر نگرش به جهانی شدن قوی تر باشد، هویت قومی ضعیف تر خواهد گشت. برای بررسی این فرضیه از تحلیل پسرفت ساده استفاده کرده ایم. پایه نتایج به دست آمده، همبستگی ضعیفی به اندازه $R=0/108$ میان گرایش به جهانی شدن و هویت قومی وجود دارد. ضریب تعیین $R^2=0/012$ به دست آمده، بیانگر آن است که متغیر مستقل گرایش به جهانی شدن پاسخگویان، $0/012$ از مغایرت متغیر وابسته هویت قومی را در جمعیت نمونه، تبیین می کند. ضریب Beta به دست آمده نیز حاکی از آن است که جهت رابطه بین گرایش به جهانی شدن و هویت قومی پاسخگویان، منفی و معکوس می باشد؛ به دیگر سخن، هرچه گرایش به جهانی شدن در پاسخگویان قوی تر باشد، هویت قومی آنها ضعیف تر خواهد بود. ضریب B نیز نشان می دهد که متناسب با هر واحد افزایش در متغیر مستقل گرایش به جهانی شدن، به میزان $-0/128$ واحد از هویت قومی فرد کاسته می شود. با توجه به مقدار T به دست آمده ($-2/124$)، رابطه میان متغیر وابسته و مستقل در این فرضیه در سطح ۹۵٪ معنادار می باشد و فرضیه ما تایید می گردد.

ه) آزمون رابطه میان گرایش به تمرکز زدایی و هویت قومی

جدول ۷: آزمون رابطه بین گرایش به تمرکز زدایی و هویت قومی

نام متغیر	R	R ²	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معناداری
تمرکز زدایی	۰/۳۳۶	۰/۱۱۳	۰/۱۴۹	۱/۰۳۲	۰/۳۳۶	۶/۹۴۶	۰

در این تحقیق فرض ضمنی ما بر این بوده است که هر قدر تمرکز زدایی بیشتر باشد، هویت قومی قوی تر خواهد بود بر اساس نتایج ضریب تعیین $R^2=0/113$ به دست آمده، بیانگر این است که متغیر مستقل گرایش به تمرکز زدایی پاسخگویان، $0/113$ از

مغایرت متغیر وابسته هویت قومی را در جمعیت نمونه تبیین می‌نماید. ضریب Beta به دست آمده نیز حاکی از آن است که جهت رابطه بین گرایش به تمرکززدایی و هویت قومی پاسخگویان، مثبت و مستقیم می‌باشد؛ به دیگر سخن، هرچه گرایش به تمرکززدایی در پاسخگویان، بیشتر باشد، هویت قومی فرد قوی‌تر است. ضریب B نیز نشان می‌دهد که به میزان هر واحد افزایش در متغیر مستقل، گرایش به تمرکززدایی به میزان $1/0.32$ واحد به هویت قومی فرد افزوده می‌گردد. همچنین با توجه به مقدار T به دست آمده ($6/946$)، رابطه بین متغیر وابسته و مستقل در این فرضیه در سطح ۹۹ درصد معنادار می‌باشد و فرضیه ما تایید می‌شود؛ بنابراین فرضیه H_0 مبنی بر نبودن رابطه معنادار میان متغیر مستقل و وابسته رد می‌شود و فرض H_1 مبنی بر وجود این رابطه، اثبات می‌گردد.

و) آزمون رابطه میان توسعه ارتباطات جهانی و هویت قومی

جدول ۸: آزمون رابطه میان توسعه ارتباطات جهانی و هویت قومی

نام متغیر	R	R^2	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معناداری
توسعه ارتباطات جهانی	۰/۳۰۶	۰/۱۴۲	۰/۱۰۹	۱/۴۳۷	۰/۲۷۶	۶/۱۲۶	۰

گسترده‌گی رسانه‌های گروهی سبب شده که نگره‌های اجتماعی از هرگونه که باشند، با شتاب تمام در جهان پخش شوند، مردم گیتی با سرعت، از وقوع رویدادها آگاه شوند و هیچ چیز از آنها پنهان نماند علت این امر، آن است که رسانه‌های گروهی نوین تحت تأثیر افزایش شدید سرعت در ساختار زمانی، فعالیت‌های اصلی را در فاصله‌های جغرافیایی بسیار دور برای شنوندگان و بینندگان جهان بازگو می‌کنند و آنان را از رویدادها با خبر می‌کنند (آشفته تهرانی، ۱۳۸۷: ۲۳۷). فرض ضمنی ما در این تحقیق بر این بوده است که هرچه توسعه ارتباطات جهانی بیشتر باشد، هویت قومی کمتر خواهد بود. به منظور بررسی این فرضیه از تحلیل پسرفت ساده استفاده نموده‌ایم. براساس نتایج به دست آمده، ضریب همبستگی بین توسعه ارتباطات جهانی و هویت قومی $R=0/306$ می‌باشد. ضریب تعیین $R^2=0/142$ به دست آمده، بیانگر این است که متغیر مستقل توسعه ارتباطات جهانی پاسخگویان، $0/037$ از مغایرت متغیر وابسته هویت

قومی را در جمعیت نمونه تبیین می‌کند. با توجه به مقدار T به‌دست آمده ($۶/۱۲۶$)، رابطه بین متغیر وابسته و مستقل در این فرضیه در سطح ۹۹% معنادار است و فرضیه ما اثبات می‌شود.

ز) آزمون رابطه بین آگاهی جهانی و هویت قومی

جدول ۹: آزمون رابطه آگاهی جهانی و هویت قومی

نام متغیر	R	R^2	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معناداری
آگاهی جهانی	۰/۱۹۱	۰/۰۳۷	۰/۱۶۸	-۰/۶۳۸	-۰/۱۹۱	-۳/۷۹۹	۰

جدول ۸ بیانگر رابطه بین آگاهی جهانی و هویت قومی پاسخگویان می‌باشد. فرض ضمنی ما در این تحقیق بر آن بوده است که هر قدر آگاهی جهانی بیشتر باشد، هویت قومی کمتر خواهد بود. به منظور بررسی این فرضیه از تحلیل پسرقت ساده استفاده کرده‌ایم. بر پایه نتایج به‌دست آمده، ضریب همبستگی بین آگاهی جهانی و هویت قومی $R=۰/۱۹۱$ است. ضریب تعیین $R^2=۰/۰۳۷$ به‌دست آمده، بیانگر آن است که متغیر مستقل آگاهی جهانی پاسخگویان، $۰/۰۳۷$ از مغایرت متغیر وابسته هویت قومی را در جمعیت نمونه تبیین می‌کند. ضریب Beta به‌دست آمده نیز بیانگر این است که جهت رابطه بین آگاهی جهانی و هویت قومی پاسخگویان، منفی و معکوس می‌باشد؛ به دیگر سخن، هرچه آگاهی جهانی پاسخگویان بیشتر باشد، هویت قومی آنها ضعیف‌تر خواهد بود. ضریب B نیز نشان می‌دهد که متناسب با هر واحد افزایش در متغیر مستقل آگاهی جهانی، به میزان $-۰/۶۳۸$ واحد از هویت قومی فرد کاسته می‌شود، همچنین با توجه به مقدار T به‌دست آمده ($-۳/۷۹۹$)، رابطه میان متغیر وابسته و مستقل در این فرضیه در سطح ۹۹ درصد، معنادار است و فرضیه ما تأیید می‌شود؛ بنابراین، فرضیه H_0 مبنی بر نبودن رابطه معنادار بین متغیر مستقل و وابسته رد می‌شود و فرض H_1 مبنی بر وجود این رابطه معنادار، اثبات می‌گردد.

نتیجه‌گیری

امروز، جهان به جهان جهانی شده، جهان جهانی - محلی شده و جهان دوجوانی شده تبدیل شده است. اکنون همگان اذعان می‌نمایند که هویت، امری همگون نیست. بر پایه



همین منطق، رویکردها به فرهنگ‌های دیگر نیز دگرگون شده و نسبت فرهنگی در مقایسه با گذشته، موضوعیت بیشتری یافته است. براساس همین انگاره سخن از هویت‌های مختلف، معنا یافته و به عاملی تأثیرگذار شده است. این امر، خود ناشی از جریان‌های جهانی شدن است که از منظر جامعه‌شناسان، عمدتاً فرایندی فرهنگی و سیاسی می‌باشد تا اقتصادی؛ بنابراین در روند بررسی تأثیر هویت قومی بر بعد فرهنگی جهانی شدن، دگرگونی‌هایی در چهارچوب‌های پیشین و نگرش‌های مسلط رخ داده است. در نهایت، بیشتر نظریه‌پردازان بر این باورند که هویت غربی و امریکایی در فرایند جهانی شدن با چالش مواجه شده و هویت‌های جهان سوم، محلی و قومی جایگاهی ویژه یافته‌اند.

در این تحقیق رابطه میان تحصیلات و هویت قومی، ضعیف (۰/۱۲۶)؛ و مناسبات میان درآمد و هویت قومی، ناچیز (۰/۰۰۴) ارزیابی شده است؛ همچنین همبستگی ضعیفی (۰/۱۰۸) گرایش به جهانی شدن و هویت قومی وجود دارد؛ بدین معنی که گرایش نسبتاً بالا به جهانی شدن به میزانی اندک، باعث تضعیف هویت قومی شده است. این واقعیت تا حد زیادی به نظریه تأملینسون نزدیک است که جهانی شدن هویت‌های محلی را با چالش مواجه می‌سازد.

منابع

- آشفته تهرانی، امیر (۱۳۸۷)؛ *جامعه‌شناسی جهانی‌شدن*، تهران: دانژه.
- باومن، زیگمونت (۱۳۸۴)؛ *عشق سیال: در باب ناپایداری پیوندهای انسانی*، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: ققنوس.
- رابرتسون، رونالد. و حبیب حق خندکر (۱۳۸۳)؛ «گفتمان‌های جهانی‌شدن: ملاحظات مقدماتی»، *ارغنون*، ترجمه مسعود مظاهری، *فصلنامه ارغنون*، ش ۲۴، صص ۷۵-۵۹.
- زیتلین، اورینگ. ام. و همکاران (۱۳۸۴)؛ *آینده بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی*، ترجمه غلامعباس توسیلی، تهران: قومس.
- کاستلر، مانوئل (۱۳۸۴)؛ *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت هویت)*، ج ۲، ترجمه احد علیقلیان، افشین خاکباز و حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)؛ *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- ----- (۱۳۷۸)؛ *راه سوم: بازسازی سوسیال دموکراسی*، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: شیرازه.
- ----- (۱۳۸۶)؛ *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- مدیرشانه‌چی، محسن (۱۳۷۹)؛ *تمرکزگرایی و توسعه‌نیافتگی سیاسی در ایران معاصر*، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۷۹)؛ «فرهنگ، ارتباطات و تحولات قومی (بررسی نظری)»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۲، ش ۶، صص ۱۹۶-۱۷۶.
- ویویورکا، میشل (۱۳۸۱)؛ «چالش‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر»، ترجمه هوشنگ فرخجسته، *مجله سیاسی اقتصادی*، س ۱۴، ش ۱۴۹ و ۱۵۰، صص ۸۹-۸۲.
- هال، استوارت (۱۳۸۳)؛ «بومی و جهانی، جهانی‌شدن و قومیت»، ترجمه بهزاد برکت، *فصلنامه ارغنون*، ش ۲۴، صص ۲۶۲-۲۳۹.
- سایت اینترنتی مرکز آمار ایران: <http://www.sci.org.ir/portal/faces/public/sci/sci>.
- Dasgupta, Samir (2007); *The Changing Face of Globalization*, Sage Publications: New Delhi.
- Edwards, Lee (2001); *The Global Economy: Changing Politics, Society and Family*, massachusetts: harvard university Press.
- Hall, S & Gieben, B (1992); *Formation of Modernity*, Cambridge: polity press.
- Hall, S (1996); "The Questions of Cultural Identity" in *S, Hall, D Held & T, MCGrow(eds) Modernity and its Futures*, Cambridge: polity.
- Held, David & McGrew, Anthony (2007); *Globalization Theory: Approaches and Controversies*, newyork: cambridge university Press.
- Held, David (2000); *A Globlizing World? Culture, Economics, Politics*, Routledge: Open University Press.
- Mendieta, Edwardo (2007); *Global Fragments: Globalizations, Latinamericanizations, and Critical Theory*, State University of New York Press, Albany.
- Nanda, serena and Richard warms (1998); *Cultural Anthropology*, United states of America: Ward sworth publishing company.
- Tomlinson, J (1991); *Cultural Imperialism: A Critical Introduction*, Baltimore: John Hopkins University Press.